

روزنامه شهردار

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳ - ۲۶ محرم ۱۴۴۶ _ ۴ اوت ۲۰۲۴- شماره ۲۴۷۱ - سال نهم
۸صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان -
ضرب کیفی ۶۱۴
hamdelidaily.ir
t.me/HamdeliNews
newspaper.hamdeli@gmail.com

صاحب امتیاز، مدیر مسئول:
ولی‌الله شجاع‌پوریان
سردبیر:
جلال خوش‌چهره
مدیر هنری:
امین مرخیی
چاپ:
صمیم ۰۲-۶۵۵۸۶۸۰۰
تورج:
نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
تهران- خیابان مطهری- نزسپیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس:
۰۲۱۸۸۳۹۴۱۳- ۰۲۱۸۸۳۹۴۳۰

کویک

«گزارش میراث» به شماره ۱۰۰ رسید

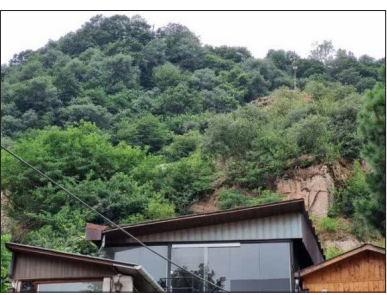


شماره ۱۰۰ فصلنامه اطلاع‌رسانی «گزارش میراث» در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب منتشر شد. شماره ۱۰۰ فصلنامه اطلاع‌رسانی «گزارش میراث» در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی (دوره سوم، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱ انتشار: تابستان ۱۴۰۳) از سوی مؤسسه

پژوهشی میراث مکتوب منتشر شد. در ابتدای فصلنامه و در سرسخن به «میراث جهان ایرانی»، چهارمین نشریه میراث مکتوب پرداخته شده است.د بخش جستار فرمان تولیت بقعه اوساحقیه مصلّی شیراز، کارگاه نسخه‌نویسی در سده نهم / عمادالدین شیخ‌الحکمایی، باب الفاظ کفر از جواهرالفرقه محمّد بن منصور بخاری (تالیف نیمه قرن ۶؟) / حمیدرضا (بابک) سلمانی، فصلی در الفاظ کفر از کتاب الولد الشفیق و الحافظ الخلیق (همراه با نگاهی به رساله سمید و دو کلمه در الفاظ کفر به تصحیح رسول جعفریان) / سعید لیان، نگاهی دوباره به واژه «سامان» در مصراعی از شاهنامه / رضا غفوری، نسخه‌ای از

کویک

«دیزین» قدیمی‌ترین قلعه تاریخی شرق گیلان



روستای «دیزین»، یادآور زمانی است که در این محدوده قلعه تاریخی کیانیان در دوره تیموری بوده؛ مناسفانه بقایای قدیمی‌ترین قلعه تاریخی شرق گیلان در اثر برداشت سنگ لاشه در حال نابودی است.«دیزین» بخوانیمش یا با نام قدیمی‌اش «دزدین» فرقی نمی‌کند. مهم این است که این واژه ما را به تاریخ کهن این منطقه رهنمون می‌شود.

تاریخی که به سال‌های پیش از ۱۰۰۰هجری می‌رسد، به زمانی که پیش از صفویه، شرق دره سپیدرود توسط حاکمان محلی «آل کبیر» اداره می‌شد. روستایی در دامنه کوه که پوشیده از درختان جنگلی است و درست بر سر راه لاهیجان به لنگرود قرار گرفته؛ پشت ساخت و سازهایی که کنار جاده قد کشیده و دید منظر کوه و جنگل را کور کرده‌اند، زمانی قلعه تاریخی کیانیان با یک زندان مخوف بود. اگرچه دربرساره این قلعه در منابع تاریخی مکتوب گزارش‌هایی ثبت شده، اما کمتر کسی از اهالی درباره قلعه کیانیان می‌داند. پشت این مجموعه دیوار چینی شده و نمی‌توان به حریم یک ملک شخصی تجاوز کرد، اما می‌توان بقایای دیوارهای قدیمی قلعه را دید. به خصوص در فصل زمستان که پوشش گیاهی کمتر می‌شود.این قلعه بعد از روی کار آمدن صفویه و از بین رفتن سلطنت کیانیان، به عنوان مخفیگاه راهزنان مورد استفاده قرار می‌گرفت و پس از آن نام قلعه «دزدین» نام گرفت و قرن‌ها بعد که روستایی در این محدوده شکل گرفت، «دیزین» نامیده شد.در

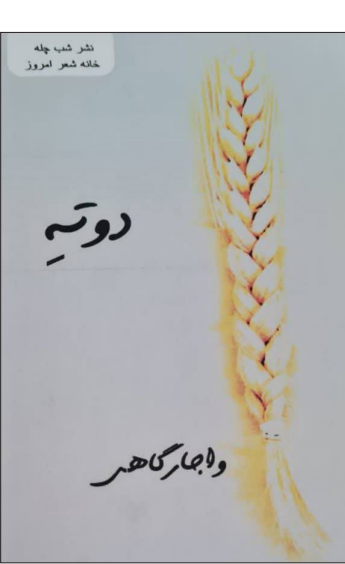
کتاب «نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان» آمده است؛ در این روستا دزدی بوده که اموال مردم را سرقت می‌کرد. تاجری که از سرقت اموالش به تنگ آمده بود در چند صندوق تعدادی مار گزنده قرار داد و دزد پس از دستبرد از تاجر، صندوق‌ها را به داخل مغازه خود برده و پس از باز کردن صندوق‌ها توسط مارها کشته می‌شود و مردم از شر دزد خالی‌رنگه او و از آن زمان نام این روستا «دزدین» یا «دیزین» نامیده می‌شود.«یابست لوثی رایینو»، نایب کنسول انگلیس در گیلان در اوایل قرن بیستم، روایتی مشابه غاری بوده که محل تجمع دزدان است و اشراز بوده است. طبق اظهارات «ساموئل گملین» در «سفرنامه شمال ایران» روس‌ها در سال ۴۸-۱۱۳۸ هجری (۳۲-۱۷۲۲ میلادی) هنگام اشغال گیلان خواستند تا غار را به هوای گنجینه‌ای که در آن است، منهدم سازند. در پس این قصه‌های محلی، دزی قرار دارد که گمانه زنی‌های باستان شناسی قدمت آن را به ۱۰۰۰ سال پیش می‌رساند و در واقع قدیمی‌ترین قلعه حوزه شرق گیلان بوده است. قدیمی‌ترین منبع تاریخ مکتوب که از قلعه دیزین یاد کرده است، کتاب «تاریخ گیلان و دیلمستان» تألیف «سید ظهیرالدین مرغشی» است.

این مورخ در شرح وقایع زمان «ناصر کیا» از سلاطین کیایی شرق گیلان در حدود سال‌های ۸۴۵ و ۸۴۶قمری نوشته است: «برفور خلابران رانکوه را بفرمود تا مجموعه جبه و جوشن بیوشیدند و سید محمد را که در زندان ناصر کیا بود سوار ساخته بدیشان بسپردند و گفت به قلعه دیزین لاهیجان بروید و به کوتوال بسپارید.»(ص:۲۲۱) ظهیرالدین نقل می‌کند که «سالوک مرداوچ» یکی از طرفداران «سید علی کیا» که بعدها بر علیه او طغیان کرده بود، از طرف «میره علاءالدین فومنی» به

یادگهی وارثان محمّد

نگاهی به دفتر شعر «دوته» اثر جعفر محمدی واجارگاهی

استباهی خودم را تشییع کردم



می‌گویند و از زبان عادی سربچی می‌کند و زبان رخ نما شده ادبیات رسمی و فاخر را به کناری می‌نهد و به سمت ادراک‌های نوین پیش می‌تازد، چنان که در شعر (۵۷) می‌گوید: «این اتاق می‌تواند / جحمی را پیشروی می‌کند که دست شوپنهاور و می‌داند و با چنان اهنگی در این عرصه می‌داند: «دشوار یعنی / همین اندازه که آدمی می‌فهمد عشق هست، تنهایی هست» و دوره می‌کند خودش را ادوره کرده در من ریخ را کجای آغاز زیسته ای /که عشق ماهیتش سکوت مانده‌ادور شده در من پرندگان که نامت را سقوط می‌کنند /کدام رفتن را نشانم می‌دهند/که این گونه مردم‌راه در در تو زندگی می‌کنم / شبیه تنهایی که دست بردار نیست/ برمی‌گردد به تو.»

شاعر در متن رویدادها زندگی می‌کند و بیوط خویش را تماشا می‌کند و به زبان تصویر و رمز و نماد، حدیث این زندگی مرگبار را بازگو می‌کند. جهان نگری شاعر در این اشعار متبلور نشده است ولی شاعر پوئتیک «شعر تجسمی» خود را در متن

عرض می‌کند و از درپچه عواطف و اندیشه های خود به هستی و نیستی می‌نگرد و گوشه‌های تاریک شعر و زبان را جلوه گر می‌کند. شعر واجارگاهی، بیان تمام واقعیت‌ها نیست، بلکه عطیه سخن مند است و (بودن، وجود) است و این داوری را می‌توان در چند شعر شاعر به وضوح دید که به قول هولدرلین و نصرت رحمانی و فروغ آنچه می‌ماند شعر و ازمنغان شعر است و تنها صداست که می‌ماند. مورد یک: «هسر از گاهی که آغاز کبوتر / شعر جدا می ماند / برهنه بر پاره های ابر / شکسته در ساقه های رنج / چون شلتوکی رها در باد / تشنه / تشنه / خونابه / شعر را / به بال می‌آورم / که غروب / در / آغاز ریزد / به پای پروانه ای پرواز بدهد.» مورد دوم: «در خیالم / بالا دست گورم ایستاده ام / هنوز خالی است / عمیق است اما صایم را می‌پیچاند / - باید قادر باشم بروم / یقینی که تمام مرااهی هست.» در سروده‌های شاعر، سطرهای کسب که هم از حس امروزینه خیر می‌دهد و هم از اکتشاف شاعرانه و هم در آنها اندیشه و فلسفه هست و سخن فوران و غنای عاطفی، با آهنگ و بسنج امروز که بحرانی است در جهت یابی ما نشان می‌دهد، سخن می‌گشتم و شهید روزگارم بودم.»



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

«خالی ام، خالی تر از پنجره‌های تاریخ که زنی زیستنش را گورستان کرده او تنها دوته می‌باقد در اندوه /خالی از همهمه های خیابانی خیس که تو را در تو حل کرده.»

این دفتر شعر غیر معمول ۱۶۲شعر سپید سوزنال دارد. پیش از دفتر شعر «دوته» واجارگاهی گاهی ۹دفتر شعر را بر ساسط نشر نشانده بود. واجارگاهی شوق و اشتیاق زایدالوصفی به رسیدن به حوزه های ناشناخته و کشف نشده و در طلب ناممکن است. واجارگاهی ذوق ویژه ای در گزینش واژگان بومی گیلانی دارد. شاعر مثل نیما واژگان بومی را در آغوش واژگان سره ی فارسی قرار می‌دهد:

- کوچه ای بی بنستم

که «آجارش» با حلب های کهنه میخکوب است ...

«آجارش: استخوان‌های بالای بدن که از لاغری نمایان است ... بی فایده بود امانی در «دوته ای» که پریشان نمی‌ماند، نیست هنوز به سایه ها عادت داشت و تیست از ابری که محالش بارانی ست و شب را ناله زد تا سپیده نیست.

«دوته: معنی یافتن یا بافته شدن می‌دهد، در این جا معنی موی بافته شده است ...

شعر واجارگاهی مانند همه شعرهای شاملووار، ضرب آهنگ کلامی امروزین دارد. ترکیب کلام و وقف ها و تاکیدهای جمله از الگوهای منظمی پیروی می‌کند که به هماهنگی و قسمی درونی می‌رسد اگر این‌گونه همسازگی و هماهنگی بر واژه‌ها تحمیل شود، کلامی بی روح به دست می‌آید، اما در سروده‌های واجارگاهی این موزیک و هماهنگی از درون خود سخن می‌بالد. تاکیدها و وقفه‌ها و زیر و بم جمله‌ها از معنای سخن حاصل می‌شود، یعنی از کیفیت و فشار عاطفه و معنای پشت واژه‌ها به دست می‌آید که موج و حرکتی به سخن شاعر داده است که بیشترین تأثیر را بر خواننده می‌گذارد. واجارگاهی گوشه چشمی به عرفان دارد ، یعنی به درون گرایش پیدا می‌کند و پله و آزاد است و مانند کبوتر مولانا رو به سوی جانب بی‌جانبی دارد و در حال و هوای گریز و میشی پرواز می‌کند و به عرفان آبی نزدیک می‌شود: «دستت بر دار نبودند / تو را چیده بودند / قرار نبود شرح ات / پنجره ای را باز کند / چندان کوزه / چشمانت را از سقوط پس من حل کند / چشمانت را / که غروب / در / بگیرد / و به اندوهی که / غمت را سگ دو زده / سلامی بگوید / اشتباهی با واژه هایی رفته / رفته / که بیداری را نفهمید / اشتباهی خود را تشییع کردم / از نام های چند رنگ / حواسم نبود / این خیزی را گنج مانده ام / حواسم نبود / تو را چیده بودند / در بلوغ نام‌های نارس / و «دوته‌هایت» را تعارف کرده بودند به باد / من در این آغاز / رنگ بریده ماندم / از این همه ادامه / که تو را می‌مکد بی شرح.»

واجارگاهی مردی کوهستانی است که در نسیم سحر جنگل و قله‌ها تنفس می‌کند و از چشمه‌های زلال آب می‌نوشد، واجارگاهی، عاشق جنگل، کوه، درختان، دریا، باران، پروانه، لحن خاک، ابر، مرداب، لمه (سقف چوبی) موج، علف، پرند و اجاق روشن و کله‌های روستایی است: «پرندۀ ی من صدای باد را می‌شنوی؟ / اتفاقی می‌افتد / اتاقی که در تم پهن است / به جنگل تبدیل می‌شود / تو زیبا بودی که جنگل در من می‌زیست / آمده بودم افسردگی درخت را / از لب پنجره بر دارم / پنجره ای برگشت رو به دیوار و این جنگل بود ، همچنان پرندۀ اش را صدا می‌زد.»

شاعر برای این که تنهایی را تاب بیاورد و واقعیت‌های سخت و سمج را کنار بزند و جنگل و دریا و ستاره و ماه و عشق پناه می‌برد و می‌خواهد روزنه‌ای به دنیای کهن، به جهان آب و آینه باز کند ولی نمی‌تواند. او زندگی را بی ارزش و بی قدر می‌داند و با چنان اهنگی در این عرصه پیشروی می‌کند که دست شوپنهاور و کامو را از پشت می‌بندد و جهان را پوچ و لبریز از خستگی و درهم شکستگی می‌داند: «دشوار یعنی / همین اندازه که آدمی می‌فهمد عشق هست، تنهایی هست» و دوره می‌کند خودش را ادوره کرده در من ریخ را کجای آغاز زیسته ای /که عشق ماهیتش سکوت مانده‌ادور شده در من پرندگان که نامت را سقوط می‌کنند /کدام رفتن را نشانم می‌دهند/که این گونه مردم‌راه در در تو زندگی می‌کنم / شبیه تنهایی که دست بردار نیست/ برمی‌گردد به تو.»

شاعر در متن رویدادها زندگی می‌کند و بیوط خویش را تماشا می‌کند و به زبان تصویر و رمز و نماد، حدیث این زندگی مرگبار را بازگو می‌کند. جهان نگری شاعر در این اشعار متبلور نشده است ولی شاعر پوئتیک «شعر تجسمی» خود را در متن عرض می‌کند و از درپچه عواطف و اندیشه های خود به هستی و نیستی می‌نگرد و گوشه‌های تاریک شعر و زبان را جلوه گر می‌کند. شعر واجارگاهی، بیان تمام واقعیت‌ها نیست، بلکه عطیه سخن مند است و (بودن، وجود) است و این داوری را می‌توان در چند شعر شاعر به وضوح دید که به قول هولدرلین و نصرت رحمانی و فروغ آنچه می‌ماند شعر و ازمنغان شعر است و تنها صداست که می‌ماند. مورد یک: «هسر از گاهی که آغاز کبوتر / شعر جدا می ماند / برهنه بر پاره های ابر / شکسته در ساقه های رنج / چون شلتوکی رها در باد / تشنه / تشنه / خونابه / شعر را / به بال می‌آورم / که غروب / در / آغاز ریزد / به پای پروانه ای پرواز بدهد.» مورد دوم: «در خیالم / بالا دست گورم ایستاده ام / هنوز خالی است / عمیق است اما صایم را می‌پیچاند / - باید قادر باشم بروم / یقینی که تمام مرااهی هست.» در سروده‌های شاعر، سطرهای کسب که هم از حس امروزینه خیر می‌دهد و هم از اکتشاف شاعرانه و هم در آنها اندیشه و فلسفه هست و سخن فوران و غنای عاطفی، با آهنگ و بسنج امروز که بحرانی است در جهت یابی ما نشان می‌دهد، سخن می‌گشتم و شهید روزگارم بودم.»

آگهی فراخوان برگزاری مناقصه عنوان یک مرحله ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی

نوبت دوم

ردیف	عنوان مناقصه	مبلغ برآورد / ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه
۱	پروژه حفظ و نگهداری ابنیه و تاسیسات و مبلمان شهری در منطقه ۸ شهرداری (نوبت دوم)	۵۵۴۰۵۷۷۱۷۵۹۰۰ریال	۲۵۰۳۰۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ریال

از پیمانکاران واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴/۰۵/۱۴۰۳ لغایت ۱۸/۰۵/۱۴۰۳ ساعت ۱۹ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

در شرایط یکسان اولویت با پیمانکاران بومی خواهد بود. مهلت بازرگاری اسناد در سامانه ستاد تا روز شنبه مورخ ۰۳/۰۶/۱۴۰۳ ساعت (۱۹) می‌باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل پاکات فیزیکی تا قبل از پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۰۶/۰۶/۱۴۰۳ به اداره قراردادهای واقع در ساختمان شماره ۳ شهرداری می‌باشد. لازم به ذکر است مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت می‌بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد www.setadiran.ir به آدرس مذکور صورت پذیرد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مدارک ثبت نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند. پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می‌باشد. - پیشنهاد قیمت‌ها در صورتی قابل بررسی می‌باشند که استاد فیزیکی قبلاً در سامانه ستاد بارگذاری و مورد تأیید باشند. شهرداری در رد یک با تمام پیشنهادها مختار میبانشد.

مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه پنج درصد مبلغ اولیه می‌باشد که می‌بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود. : (الف) - فیش واریزی مبلغ فوق به حساب ۰۲۰۳۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز (ب) - به صورت ضمانت‌نامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها .

توضیح: محل اعتبارات این مناقصه از بودجه جاری شهرداری (منابع داخلی) می‌باشد.

برندگان اول و دوم مناقصه هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه روز سه شنبه مورخ ۰۶/۰۶/۱۴۰۳ ساعت ۱۴ بعد از ظهر در محل ساختمان شماره ۳ شهرداری اداره قراردادهای می‌باشد.

نتیجه کمیسیون مطابق آیین نامه معاملات شهرداری تهران کلانشهرها اعلام خواهد شد. به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها). میزان تضمین حسن انجام تعهدات قرارداد معادل ۱۰٪ مبلغ قرارداد می‌باشد.

شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۰۱ آیین نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها) به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد.

کلید شرکت‌های محروم از اجرای کار حق شرکت در این مناقصه را ندارند.

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

شناسه آگهی: ۱۷۶۳۳۳۰

روزنامه‌ها

من چه در پای تو ریزم که خورای تو بود
سر نه چیزبست که شایسته پای تو بود
خرم آن روی که در روی تو باشد همه عمر
وین نباشد مگر آن وقت که رای تو بود
ذره‌ای در همه اجزای من مسکین نیست
که نه آن ذره معلق به هوای تو بود

مجازستان

● با وقت قبلی رفتمب مطب به متخصص قلب معروف، گفتیم بیمار نمیتونه بیساده مطب و مدارکش رو آوردیم. منشی گفت ۴۰۰ تومن ویزیت. ۶۰۰ تومن دیدن فیلم آنژیو، ۴۰۰ هم چون خود بیمار نیست و همراه بیشتر از بیمار حرف میزنه، مبلغ هم نصفش نقد نصفش به کارت، آخرین نفر هم میری تو(سینا سرمدی)

● پیرمرده تو مترو دستامو دید گفت کار گری می‌کنی دستات پینه بسته؟ روم نشد بگم تو باشگاه اینجوری شده گفتم بله کار گری میکنم، گفت برا کار گری زیادی سفید مفیدی، کم خالی ببند(خلاقفکار)

● خیلی خوشم میاد از آدمایی که مثل خودم هنوز پیگیرانه ساعت مچی می‌بندن و اون هم ساعت عقربه‌ای نسه از این ساعتای دیجیتالی و اپسل‌واچ و این حرفا. اینجسور افراد واقعا نظر و احترام تو رو جلب می‌کنن و به جذابیشتون برام افزوده می‌شه.(Mamzi)

● وقتش که برسه می‌فهمید که نباید وقت و عمرتون رو خرج بحثای بی سر و ته و سطحی بکنید، حالا یسریا زودتر بهش می‌رسن. یسری هم کلا تا آخر عمرشون نمی‌فهنم.(بل‌مونت)

شکان

راز درخشش نقاشی مشهور مشخص شد



محققان عنصر مخفی نقاشی پرنور «گشت شبانه» اثر «امبرانت» را کشف کردند.دانشمندان سرانجام دریافته‌اند که چگونه «امبرانت» در نقاشی مشهور خود به نام «گشت شبانه» به درخشندگی براق دست یافته است؛با استفاده از آرسنیک!

«گشت شبانه» نقیشت، این ماده سمی برای نخستین‌بار طی «بروزه گشت شبانه»، پروژه‌ای که توسط دانشمندان موزه ملی آمستردام و دانشگاه آمستردام در حال انجام است، کشف شده‌افز از اجزای این پروژه بررسی دقیق و تکنولوژیکی شاهکار قرن هفدهم با استفاده از تکنیک‌های مختلف تصویربرداری تحلیلی غیرتخریبی مانند اسکن اشعه ایکس،همراه با تحقیقات نمونه‌برداری بود.نقاشی بزرگ سه و نیم در چهار و نیم متری «گشت شبانه»، که در سال ۱۶۴۲ و در طول عصر طلایی هلند خلق شده است و عزیمت گروهی را به سرپرستی کاپیتان «فرنس بابینک»(مردی در لباس سیاه و شالی قرمز)و ستوان «ویلم ون روتینبرج»(مردی در لباس زرد و کمربندی سفید) به تصویر کشیده است، با مهارت بالای «امبرانت» در ایجاد سایه روشن به یک صحنه دراماتیک تبدیل شده است.میشیمان‌هایی که به این اکتشاف دست یافتند، نتایج تحقیقات خود را در ژورنال «هریتج ساینس»منتشر کردند.این گروه تحقیقاتی در ابتدا بر این باور بودند که «امبرانت» از لریمیت برای ایجاد طیف رنگ زرد و از زینخ سرخ کمپاری ایجاد جزئیات «گشت شبانه» استفاده کرده است.اما محققان در این نقاط از نقاشی ذرات مواد معدنی سولفید آرسنیک را پیدا کردند. این‌ها به این نتیجه رسیدند که «امبرانت» این رنگ‌های سولفید آرسنیک را با سایر رنگ‌ها ترکیب کرده است تا به یک رنگ طلایی درخشان واقع‌گرایانه دست پیدا کنند.این درخشش کنای‌های سولفید آرسنیک در درجه اول به دلیل ساختار بلوری و ترکیب آن‌ها است. درحالی‌که نقاشی طبیعت بی‌جان هلندی متعلق به همان دوران نیز حاوی آرسنیک بودنداما از این ماده بیشتر برای نقاشی میوه‌ها و گل‌ها استفاده می‌شد.استفاده از رنگدانه آرسنوس برای خلق پرتره توسط «امبرانت» نواورانه بود.محققان همچنین «گشت شبانه» را با نمونه رنگ‌های آثار سایر هنرمندان موزه ملی آمستردام که از سولفیدهای آرسنیک استفاده می‌کردند، مقایسه کردند و ترکیب رنگدانه‌های مشابهی را در نقاشی «پلم کاف»نقاش معاصر «امبرانت» پیدا کردند.این یافته نشان می‌دهد که استفاده از سولفیدهای طبیعی و مصنوعی آرسنیک برای ایجاد رنگدانه‌ها به احتمال زیاد در دوران طلایی هلند بیش از آنچه قبلاً تصور می‌شد رایج بود.احتمالاً بارها نام نقاشی «گشت شبانه» در فهرست مشهورترین تابلوهای نقاشی جهان دیده‌اید.«امبرانت» به عنوان یکی از برجسته‌ترین استادان قدیم نقاشی مجموعه آثار متنوعی از خود به جای گذاشته است.با این حال، تابلو نقاشی «گشت شبانه»همچنان مهم‌ترین اثر کارنامه هنری او و محسوب می‌شود.البته بدون شک، «گشت‌شبانه» قلب موزه ملی آمستردام است.«گشت‌شبانه» نه تنها بزرگترین و مهم‌ترین اثر موزه است، بلکه کل مجموعه به معنای واقعی کلمه در اطراف این نقاشی ساخته شده است و گالری «گشت‌شبانه» در مرکز ورودی موزه به نام «گالری افتخار» قرار دارد.این نقاشی عظیم و واقعی به دلیل بازی دراماتیک نور و سایه‌اش و همچنین به این دلیل شهرت دارد که تصویر بدیع از یک گروه در حال حرکت را به جای یک حالت نظامی ثابت را به نمایش می‌گذارد. اگر چه این روزها همه علاقه‌مندان به هنر این اثر را با نام «گشت شبانه» می‌شناسند اما عنوان رسمی این اثر «گروه نظامی بخش دوم تحت فرماندهی کاپیتان «فرنس بابینک» است.»امبرانت فان راین» به اندازه‌ی شهرت دارد که ما حتی امروزه این نقاش چیرد دست هلندی را با نام کوچک صدا می‌زنیم.و به تابلوهای نقاشی با موضوعات مختلفی از جمله منظره و صحنه‌های تاریخی و اسطوره‌ای را خلق می‌کرد، در بخش اعظمی از قرن هفدهم میلادی چهره برجسته هنر هلند بود.